نوع مقاله: پژوهشی

فصلنامه چشم انداز شهرهای آینده
www.jvfc.ir
دوره دوم، شماره سوم، پیاپی (۷)، پاییز ۱۴۰۰
صص ۸۹-۷۳



جامعه شناسی تمایل شهرنشینان به داشتن خانه های دوم در روستاهای زادگاهی- اجدادی(مورد مطالعه روستاهای دهستان دلفارد استان کرمان)

اباذر اشتری مهرجردی: استادیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۹

چکیده

امروزه شهرهای بزرگ به دلیل فشارها و تورمهای مختلف جمعیتی، اقتصادی، آلودگی و ... بیش از آنکه مهاجر پذیر باشند، مهاجر فرست هستند. اگر چه مالکیت خانه های دوم روستایی در قالب مهاجرت معکوس با قید فصلی و موقت بحساب می آیند، اما در قالب پدیده تمرکز زدایی اجتماعی و مهاجر فرستی شهرها بحساب می آید. خانه‌های دوم به عنوان یک پدیده اجتماعی یکی دو دهه اخیر به نوعی ادامه حیات شهری در مناطق روستایی بشمار می آیند، ضمناً گسترش و رواج این پدیده می‌تواند راه حل مؤثری برای تجدید حیات نواحی روستایی باشد. این تحرک جغرافیایی- جمعیتی و تعامل شهر و روستا، منتج به شکل گیری موج مهاجرت دیگری در خارج از قلمرو شهرها و ایجاد خانه های دوم در روستاهای خوش آب و هوای نزدیک شهرهای بزرگ از جمله کرمان (منطقه دلفارد) شده است. در این مطالعه از نظریه های روابط شهر و روستا و سبک زندگی بهره برده ایم. به لحاظ روشی، از قالب روشی آمیخته بهره برده و روش کیفی اساس کار و روش کمی در کنار آن استفاده شده است. جامعه آماری، روستاهای بخش مرکزی شهرستان جیرفت(دهستان دلفارد) شامل ۱۳۷ روستا که ۲۱ روستا بعنوان نمونه ارزیابی شدند.نتایج مطالعه حاکی از آن است که موج مهاجرت معکوس فصلی بیشتر در روستاهای مرکزی دهستان گسترش یافته. مالکان جوان و میانسال اغلب ساکن جیرفت و کرمان بوده و از هر موقعیتی جهت بهره برداری از خانه ها استفاده میکنند در حالیکه مالکین و مهاجرین کرمان و بندرعباس اغلب بیش از ۶۰ سال سن داشته و اغلب مناسبتها مراجعه می کنند. تمامی مالکان با ساکنین نسبت فامیلی داشتند، صاحبان خانه‌های دوم روستایی را می توان بر اساس سبک‌های زندگی، نوع و اولویت انگیزه‌ها، شرایط و عوامل زمینه‌ای به سه دسته فراغت‌جویان، هویت‌جویان و منزلت‌جویان با ویژگی‌های خاص خود تقسیم نمود که به اختصار آن را فَهم نامیدیم.

واژگان کلیدی: دهستان دلفارد،خانه دوم، مهاجرت معکوس روستایی، مهاجرت، مهاجرت فصلی معکوس.

۱ .نویسنده مسئول: ashtari80@gmail.com

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

مقدمه

امروزه شهرهای بزرگ که در نتیجه مهاجرت روستایی دارای مشکلاتی چون تراکم جمعیت، افزایش قیمت مواد مصرفی، مسکن و کلاً هزینه‌های زندگی، آلودگی‌های هوا و صدا (مجموعا زیست محیطی)، افزایش فشارهای روانی و وجود فضاهای استرس و اضطراب زا، کاهش سطح ارزش‌ها و سنت‌ها، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی و از این قبیل شده‌اند، (به قول چنی[1] "شهرنشینی میل به هر آن‌چه را که خود ندارد، در ساکنانش خلق می‌کند"، میل به گریز از شلوغی، مقاومت در برابر نظم شهر، مستقل شدن خانه‌ها و خانواده‌ها، پایین آمدن سن بازنشستگی، مقاومت در برابر گمنامی و در عین حال تحت کنترل بودن) در کنار عواملی چون افزایش درآمد گروهی به دلیل اقتصاد رانتی (متعاقبا ایجاد قشری جدید)، وجود فراغت و وقت کافی(به دلیل خدماتی شدن و ماشینی و صنعتی شدن مشاغل و امکان کنترل فعالیت‌ها از دور)، افزایش سطح رفاه و استانداردهای زندگی، سهولت تحرک و جابجایی به دلیل بهبود حمل و نقل عمومی و خصوصی، اتصال نواحی روستایی – شهری به شبکه‌های ارتباطی منطقه‌ای، علاقه به گریز از شهرنشینی، علاقه به بازگشت به طبیعت و دوری از محیط پر سر و صدای شهری و آلوده آن، سرمایه گذاری و پس انداز شخصی، پائین بودن هزینه زندگی و گذران اوقات فراغت در مناطق روستایی، دستیابی به رفاه ذهنی و آرامش و آسایش روانی، ارائه تسهیلات از طرف دولت برای نوسازی بافت‌های روستایی و وجود خانه‌ها و زمین‌های ارثی باعث شده گروهی از خانواده‌ها به دنبال فضایی برای گذران اوقات فراغت خود و خانواده باشند که از مشکلات و مسائل ذکر شده به دور بوده و با ارزش‌ها و هنجارهای والدین خانواده همسان و نزدیکتر باشد. این تحرک جمعیتی و جغرافیایی منتج به مهاجرت معکوس فصلی و یا موقت با ایجاد خانه‌های دوم در مناطق روستایی خوش آب و هوای نزدیک شهرهای بزرگ از جمله دهستان دلفارد در استان کرمان شده است. خانه‌های دوم طبق تعریف خانه‌هایی هستند که کمتر از ۹۱ روز در سال اشغال می‌شود. به عبارت دیگر مساکنی که در نواحی مختلف از جمله نواحی روستایی معمولاً توسط ساکنان شهرها ساخته یا خریداری شده و در روزها و مدتی معین با هدف فراغت و تفریح مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نوع از خانه‌ها پدیده نوظهوری است که نه بعنوان پدیده‌ای جداگانه، بلکه به عنوان بخشی از سیستم شهری قابل بررسی است. در برخی کشورها، مالکیت خانه‌های دوم به عنوان بخش اجتناب ناپذیر زندگی جدید در قالب تمرکززدایی در نظر گرفته می‌شود. این مساکن منجر به تمرکز زدایی و شکل گیری موج شهرنشینی دیگری در خارج از قلمرو شهرهای بزرگ شده است(شاریه،۱۳۷۳: ۱۲۵).

خانه‌های دوم به عنوان یک پدیده اجتماعی در داخل کشورمان حداقل از ابتدای دوران قاجاریه (حدود ۱۵۰ سال پیش) آغاز شده، تقریبا و به قول شارپلی۲در همین حدود و در نیمهٔ قرن ۱۸ و کمی پیش از آن در انگلستان و اروپا ظاهر گردید (شارپلی، ۱۳۹۵: ۴۷). اما چه در ایران و چه در اروپا مالکیت و استفاده از این خانه ها، محدود به اشراف، درباریان و اقشار خاص از جمله نظامیان بود، این روند و پدیده به طور عمومی و تقریبا فراگیر از حدود نیم قرن پیش شکل گرفت۳، گر چه یوتاکا معتقد است این پدیده به طور سازمان یافته از اواخر قرن نوزدهم و از اروپا آغاز شد و به نظر وی این پدیده از نواحی کوهستانی آلمان یا قلمروهای ساحلی فرانسه سرچشمه گرفته باشد (عنابستانی، 1392: ۴۲).

طی مطالعات و بررسی‌های اولیه و بازدید از منطقه مورد مطالعه (روستاهای دهستان دلفارد) متوجه ازدیاد و رشد خانه‌های دوم طی چند سال اخیر (بیش از ۱۰ سال گذشته) بوده و همیشه این سوال در ذهن محقق بوده که چرا و بنا بر چه انگیزه‌ای، گروهی از افراد که تقریباً از ده مهاجرت کرده و با روستا قطع رابطه کردند یا روستاهایی که کمتر از ۲۰ خانوار ساکن دارد، افراد به نوعی به دنبال بازگشت در قالب مهاجرت معکوس بوده و دست به ساخت و ساز خانه‌های

1 Chaney
2 Sharpley
۳ شاید یکی از دلایلی که مستندات زیادی از گذشته این پدیده در ایران موجود نبوده و تنها آنرا مختص درباریان می‌دانند، حضور مالکان و اربابـان در منـاطق روسـتایی اسـت. تقریباً بیش از نیم قرن پیش بود که در ایران مالکان به شهرها رفته و خانه‌های روستایی آنان به عنوان مقر تابستانی به حساب آمد در حالی که مالکان و اربابان اروپـایی اغلـب شهرنشین بودند و تنها در مواقعی از سال به روستاها مراجعه می‌کردند.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

بزرگ و زیبا می زنند؟، بنابراین سوال اساسی آنکه، چه عوامل و انگیزه هایی باعث تصمیم به مهاجرت معکوس و اقدام به ساخت یا خرید خانه‌های دوم در مناطق روستایی می‌شود؟

بر همین اساس مهمترین هدف این تحقیق بررسی علل، چرایی، دلایل، انگیزه‌ها، روند مهاجرت معکوس و ایجاد و انواع خانه‌های دوم و سنخ‌بندی صاحبان خانه‌های دوم در منطقه است.

در باب ضرورت این مطالعه باید گفت بیشترین مطالعات صورت گرفته (در میان مطالعات محدود صورت گرفته) در خصوص خانه‌های دوم در بخش‌های کالبدی، زیست محیطی و گردشگری بوده و اغلب در حوزه استان‌های شمالی و اطراف شهر تهران بوده است. با این همه هنوز جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن به طور واقع بینانه و بسنده‌ای واکاوی نشده است. به نظر می رسد این مطالعه اولین در نوع خود جهت بررسی خانه های دوم در قالب مهاجرت معکوس باشد، همچنین روند رو به رشد مطالعات و تحقیقات در این موضوع با توجه به حوزه‌های مختلف جغرافیا –گردشگری– اقتصاد – علوم اجتماعی – حقوق و روند فزاینده ایجاد این خانه‌ها که جای خالی عوامل و مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی و در یک کلام تحلیل یا بررسی جامعه شناختی را کاملا مشهود می‌سازد.

متأسفانه آمار دقیقی از میزان گستردگی این پدیده در کل کشور موجود نیست اما وجود اطلاعات، آمار، تحقیقات، و بلاگ نوشته‌هایی از سرتاسر کشور شامل تبریز، اغلب شهرهای منطقه ساحلی دریای خزر، مشهد، یزد، اراک، کرمان، شیراز و ... موید این ادعاست. ضمنا گسترش این پدیده و حضور مالکان غیر بومی در روستاها، بالطبع اثرات چشم گیری بر جوامع روستایی خواهد گذاشت که ضرورت بررسی این پدیده و پیامدهای آن دوچندان است.

در هر حال پدیده جدید و رو به رشد مهاجرت معکوس در قالب خانه‌های دوم علاوه بر مردم عادی به تازگی مورد توجه دولت نیز قرار گرفته چرا که ساخت خانه‌های ویلایی و آپارتمانی در محیط‌های روستایی، ساخت و ریخت روستاها را تغییر داده، باعث تغییر ریخت جمعیتی، تغییر کاربری باغات و زمین‌های کشاورزی، تعرض و تجاوز به حریم رودخانه‌ها، تغییر چشم‌انداز روستایی، افزایش مقاومت‌های اجتماعی در برابر ورود افراد جدید، افزایش فشار جمعیتی بر روستا، کاهش یا تغییر ارزش‌های سنتی روستا و ارائه ایده‌ها و ارزش‌ها و سبک‌های جدید رفتاری و زندگی شده، و به نظر می‌رسد بر کارکرد آن نیز تأثیرگذار خواهد بود. از طرف دیگر می‌تواند باعث بالارفتن ارزش و اقتصادی شدن زمین‌های روستایی، نوسازی و بازسازی منازل روستایی، بازسازی جاده‌های روستایی، متنوع سازی اقتصاد روستایی، رواج ساخت و سازهای مهندسی در روستا، ایجاد شغل و آمدن تسهیلات مختلف به روستاها و نهایتا توسعه اقتصادی روستاها نیز شود.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر، در معنای کلی، از روش اکتشافی و توصیفی و در سطح تفسیری بهره برده ایم [۱] و نهایتا از روش ترکیبی "کمی و کیفی" (از قالب روشی آمیخته هسه بایبر بهره برده)جهت جمع آوری اطلاعات استفاده شده است. به طوری که برای هر بخش از اهداف تحقیق از بهترین روش بهره برده‌ایم. در این تحقیق ما با سه بخش روبرو هستیم. ابتدا بررسی ساختاری مهاجرت و سنخ شناسی آن بر اساس ویژگی های افراد و خانه‌ها از روش اسنادی و پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده، در مرحله دوم به بررسی انگیزه‌های افراد جهت مهاجرت معکوس و خرید یا ساخت خانه‌های دوم از ابزار پرسشنامه استفاده شده و نهایتا به سنخ بندی مالکان خانه های دوم با روش مصاحبه و بحث گروهی [۲] بهره برده‌ایم. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه روستاهای دهستان دلفارد استان کرمان به تعداد ۱۳۷ روستا و در این میان ۲۱ روستا بعنوان نمونه انتخاب شده و دو گروه ذیل مورد بررسی قرار می گیرد:

[۱] – با توجه به اکتشافی بودن موضوع و محتوای این مطالعه ، مدل ما تفسیری– کیفی و فاقد فرضیه هستیم.

[2] Focus group

[Downloaded from jyfc.ir on 2026-11-18]

گروه اول شامل مالکین خانه های دوم است که برابر با ۲۲۸ نفر است که بر اساس جدول مورگان ۱۴۰ نفر به نسبت جمعیت و تعداد خانه‌های دوم هر روستا مورد ارزیابی قرارگرفت.

گروه دوم شامل گستره‌ای از اعضای شورای اسلامی روستا، دهیارها، مطلعین و ریش سفیدان، صاحبان کار و پیشه است. که از هر روستا حداقل یک پرسشنامه به صورت گروهی در قالب بحث گروهی تکمیل شده است. ضمنا برای فهم موارد مذکور و معانی کنشهای افراد به مشاهده خانه ها و کارکرد و تاثیرات آن نیز پرداخته ایم.

چارچوب تئوریک تحقیق

مبانی تجربی

در جدول یک خلاصه ای از نتایج پژوهش‌ها انجام شده دربارۀ خانه‌های دوم در داخل و خارج از کشور ارایه شده است.

جدول ۱. نتایج پژوهش‌ها دربارۀ خانه‌های دوم

ردیف	محققان	موضوع	سال	جامعه آماری و حجم نمونه	روش تحقیق یا بررسی	نتایج مهم
۱.	Marjavara	مسیر رو به تخریب؟ "گردشگری خانه-های دوم در جوامع جزیره‌ای کوچک"	۲۰۰۷	سه جزیرۀ متفاوت در سوئد	روش کمی و پیمایشی	این پژوهش در سه جزیرۀ متفاوت در مجمع الجزایر سوئد انجام شد و نتایج نشان داد مهاجرت به این جزایر وضع مردم را نسبت به گذشته با رویدادهای مهمی از قبیل فرصت‌های شغلی و تشکیل خانواده بهتر کرد.
۲.	اپاسیس	گردشگری و خانه‌های دوم در سواحل کرواسی دو مدعی برای یک فضا مورد مطالعه کرواسی	۲۰۰۳	کشور کرواسی	روش کمی	گردشگری خانه‌های دوم در سواحل کرواسی بعد از جنگ جهانی دوم رشد چشمگیری داشته است؛ به طوری که امروزه، رقیبی جدی برای پدیدۀ گردشگری به شمار می‌آید.
۳.	مارجاوارا	گردشگری خانه-های دوم در سوئد: ریشۀ جابه‌جایی‌ها	۲۰۰۲	کشور سوئد	روش کمی	توسعۀ خانه‌های دوم، در سه بعد محیطی، اقتصادی و اجتماعی آثار مثبت و منفی بسیاری به همراه دارد.
۴.	رابرتسون	روند تصمیم گیری خریداران خانه های دوم و الگوهای گسترش خانه‌های دوم	۱۹۷۷	آلمان	روش اسنادی و کمی	معتقد است خانه‌های دوم محصولی مشابه و یکنواخت نبوده، بلکه خریداری می‌شود و برای اهداف مختلف استفاده شده و با گذشت زمان نیز تغییر می‌یابد. وی مدلی را برای تصمیم‌گیری قبل و بعد از تملک خانه‌های دوم ارائه کرده و طبق این چارچوب تصمیم‌گیری در مورد خانه‌های دوم قطعی نیست بلکه به صورت فرآیندی پویا در رابطه با سودمندی این خانه‌ها می‌باشد و به همین دلیل این فرآیند ممکن است به فروش خانه‌های دوم در یک ناحیه و خرید آن در جای دیگر یا حفظ خانه‌های دوم موجود منجر شود.
۵.	محمد رضا رضوانی و جواد صفایی	گردشگری خانه-های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی: فرصت	۱۳۹۲	نواحی روستایی شمال تهران (رودبار قصران)	تحقیق از نوع کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی و	به دلیل فقدان برنامه‌ریزی و ضعف مدیریت، از فرصت‌های موجود این ناحیه در زمینه گردشگری برای تأمین نیازهای فراغتی شهروندان تهران از یک طرف و تجدید حیات اقتصادی و اجتماعی

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

جدول ۱. نتایج پژوهش‌ها دربارهٔ خانه‌های دوم

ردیف	محققان	موضوع	سال	جامعه آماری و حجم نمونه	روش تحقیق یا بررسی	نتایج مهم
		یا تهدید (نواحی روستایی شمال تهران)			تحلیلی	نواحی روستایی از طرف دیگر به درستی استفاده نشده است.
۶.	خوش‌فر و دیگران	بررسی تأثیر گردشگری خانه‌های دوم بر سرمایهٔ اجتماعی (مورد مطالعه: روستاهای لیره سر و سیاورز شهرستان تنکابن)	۱۳۹۱	دو روستا در غرب مازندران واقع در شهرستان تنکابن (بخش خرم آباد) و حجم نمونه ۲۲۸ نفر	دو روش اسنادی و پیمایشی	گسترش خانه‌های دوم با اثرات اقتصادی مثبت (افزایش سطح تحصیلات و میزان درآمد) و پیامدهای اجتماعی منفی (کاهش در مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی) همراه بوده است.
۷.	عنابستانی و دیگران	پیامدهای اجتماعی و اقتصادی توسعهٔ گردشگری خانه‌های دوم در نواحی روستایی (مطالعهٔ موردی: دهستان شیرین درهٔ شهرستان قوچان)	۱۳۹۱	۳۲ روستای دهستان شیرین دره شهرستان قوچان و حجم نمونه ۷روستا با جمعیت ۱۱۸۴ خانوار	از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی تحلیلی	شدت تأثیر متغیر توسعهٔ گردشگری خانه‌های دوم بر تغییرات اجتماعی و اقتصادی زندگی روستاییان منطقهٔ ییلاقی قوچان، ۰/۵۰۲ برآورد شده است.
۸.	محمدرضا رضوانی، عبدالرضا رکن الدین افتخاری و همکاران	تحلیل مقایسه‌ای آثار اقتصادی گردشگری خانه‌های دوم با گردشگری روزانه بر نواحی روستایی، با رویکرد توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهرستان شمیرانات، استان تهران)	۱۳۹۰	ساکنان محلی ۵ روستای شهرستان شمیرانات، استان تهران و حجم نمونه ۱۰۵ سرپرست خانوار	روش توصیفی – تحلیلی و مقایسه‌ای، همچنین مبتنی بر روش اسنادی و میدانی (پرسشنامه‌ای)	براساس دیدگاه ساکنان محلی، تأثیر اقتصادی گردشگری خانه‌های دوم بیشتر است و تفاوت معناداری بین آثار اقتصادی گردشگری خانه‌های دوم با گردشگری روزانه وجود دارد.
۹.	محمود جمعه‌پور	سکونتگاه نوع سوم، راهکاری برای رسیدن به الگوی مناسب سکونت در راستای توسعه پایدار	۱۳۸۹		روش مبتنی بر تحلیل مفهومی نظری و تحلیل کیفی واقع گرا از وضع موجود و آرمانگرا از وضع مطلوب	معتقد است برای حل مسائل و مشکلات جوامع شهری و روستایی که گاه حل‌نشدنی به‌نظر می‌رسد، باید به دنبال راه‌حل و الگویی جایگزین بود. به عبارت دیگر، در ارتباط با یافتن الگوی مناسب سکونتگاه برای دست‌یافتن به معیارهای مناسب زندگی با کیفیت، باید پایان دوگانه‌انگاری شهر یا روستا و شهر و روستا را اعلام کنیم و به دنبال شکل سومی از سکونت که به صورت خانه‌های فصلی و موقتی است، باشیم.
۱۰.	عنابستانی	بررسی آثار کالبدی	۱۳۸۸	۲۴ روستا	روش توصیفی	پیامدهای کالبدی گسترش خانه‌های دوم مانند

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

جدول ۱. نتایج پژوهش‌ها دربارهٔ خانه‌های دوم

ردیف	محققان	موضوع	سال	جامعه آماری و حجم نمونه	روش تحقیق یا بررسی	نتایج مهم
		خانه‌های دوم بر توسعهٔ سکونتگاه‌های روستایی: مطالعه موردی روستاهای ییلاقی شهر مشهد		ییلاقی شهر مشهد و حجم نمونه ۲۳۸ خانوار روستایی	تحلیلی	تغییر کاربری مزارع و باغات، تجاوز به حریم رودخانه‌ها و تغییر چشم انداز روستایی همچنین این پدیده چه برای تجدید حیات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاهای این ناحیه فرصت‌هایی را فراهم ساخته است. عدم وجود رابطهٔ معنادار بین عوامل طبیعی و انسانی در شکل‌گیری خانه‌های دوم اما وجود انگیزه‌های اجتماعی و اقتصادی مالکان غیربومی در گسترش این پدیده نقش داشته است.
۱۱.	حاجیلویی، قدیری و سنایی	نقش و تأثیر خانه‌های دوم بر ساختار اقتصادی، اجتماعی ناحیهٔ کلاردشت	۱۳۸۷	محلات ۸ گانه شهر کلاردشت و ۱۹ روستای پیرامون	روش‌های کتابخانه‌ای و منابع اسنادی و مشاهدهٔ مستقیم و بررسی میدانی	تأثیر شگرف این پدیده بر دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی کلاردشت و نیز بروز ناهماهنگی در چهره و ساختار محیطی آن
۱۲.	ضیائی و صالحی نسب	گونه‌شناسی خانه‌های دوم و بررسی تأثیرات کالبدی آنها بر نواحی روستایی رودبار قصران (شمال تهران)	۱۳۸۷	نواحی روستایی در منطقهٔ رودبار قصران و حجم نمونه یک روستا	تحقیق از نوع کاربردی و روش انجام آن توصیفی – تحلیلی	تأثیرات منفی ناشی از حضور مالکان غیربومی قدیمی خانه‌های دوم به مراتب کمتر از تأثیرات متناظر آن از جانب مالکان غیربومی جدید است.
۱۳.	سمیرا نوذری	نقش خانه‌های دوم در تغییر کاربری اراضی و توسعهٔ اقتصادی روستای کردان	۱۳۸۶			شکل گیری خانه‌های دوم عمدتاً از دههٔ ۱۳۶۵ رواج یافت و طی سال‌های اخیر شدت پیدا کرد. پیامدهای منفی این الگو تغییر میزان آب روستا و تغییر چشم انداز طبیعی و تخریب و تغییر کاربری باغات و مزارع و پیامدهای مثبت اقتصادی آن اشتغال‌زایی، افزایش درآمد ساکنان، افزایش رفاه عمومی مردم روستا است.
۱۴.	محمدرضا رضوانی	تحلیل روند ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی	۱۳۸۱	مناطق شمال کشور		به تاریخچه محدودی از روند ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در جهان و ایران (در مناطق شمال کشور) پرداخته و با دیدی جغرافیایی به این موضوع پرداخته است و معتقد است ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در مناطق روستایی بیشتر خودجوش بوده و بدون نظارت دولت بوده که خسارت‌های زیادی به زیست محیط زده و دولت باید پیشگیری و کنترل کند.
۱۵.	عبدالرضا رکن الدین افتخاری و اسماعیل	نقش گردشگری روستایی در توسعه روستاها	۱۳۸۱		روش توصیفی تحلیلی با شیوه کتابخانه‌ای	گردشگری روستایی را بر مبنا و در قالب خانه‌های دوم مطرح کرده و معتقد است این مهم از عوامل اقتصادی توسعه روستایی است.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

جدول ۱. نتایج پژوهش‌ها دربارهٔ خانه‌های دوم

ردیف	محققان	موضوع	سال	جامعه آماری و حجم نمونه	روش تحقیق یا بررسی	نتایج مهم
	قادری					
۱۶.	حسینی ابری	بررسی پدیده نوظهور خانه دوم	۱۳۸۰		روش اسنادی	گسترش خانه‌های دوم در ایران به صورت خودجوش و بدون نظارت و کنترل است.
۱۷.	فشارکی	بررسی اثرات اجتماعی خانه دوم در منطقه طرقبه و شاندیز شهر مشهد	۱۳۷۳	روستاهای طرقبه و شاندیز شهر مشهد	روش کمی و پیمایشی	تأثیرات اجتماعی خانه‌های دوم را در ایجاد رقابت و از بین رفتن پیوستگی جامعه روستایی، تغییر مفهوم کار، تعارض اجتماعی و فرهنگی، تجاوز به حریم ساکنین می‌داند.
۱۸.	علی حاجی نژاد و ابوذر پایدار و حبیب اله بیاد	تحلیل روند تغییرات و تحوالت روستاهای دهستان دلفارد با تأکید بر نقش شهر جیرفت	۱۳۹۵	دهستان دلفارد	روش کمی و پیمایشی	تغییرات ملموس و عینی در زمینه سکونتی و معیشتی و جمعیتی روستاهای دلفارد ملموس بوده و نتایج آزمون تی نیز نشان داد در سالهای اخیر تغییرات چشمگیری، به ویژه در ابعاد کالبدی و فرهنگی و اجتماعی اقتصادی، در روستاهای دلفارد رخ داده که این تغییرات عمدتا مثبت و سازنده به حساب می آید
۱۹.						
۲۰.	لاینن	خانه‌های دوم در حومه‌های شهری مورد مطالعه فنلاند		کشور فنلاند	روش کیفی	سبک زندگی در خانه‌های دوم در نواحی روستایی و حومه‌ها برگرفته از شیوه‌های سنتی زندگی روستایی است و در واقع، محیط حومه برای استفاده از شیوه‌های زندگی سنتی مورد استفادهٔ بهره برداران قرار می‌گیرد.

بررسی‌های تجربی و کلیه متون در دسترس این حوزه حاکی از آن است که اولین تحقیقات در داخل کشور مربوط به ابتدای دهه ۸۰ شمسی و در اروپا از دهه ۷۰ میلادی است. ضمناً بجز دو مطالعه، مابقی مربوط به بررسی خانه‌های دوم در مناطق خوش آب و هوای استان‌های تهران، مازندران، خراسان بوده و همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد تمامی این مطالعات در حوزه گردشگری و جغرافیا است و با اطمینان می‌شود گفت هیچ مطالعه‌ای در حوزه خانهٔ دوم با دید جامعه شناسانه دیده نشده است. بر همین اساس در این مطالعه با دیدی جامعه شناسانه به دنبال انگیزه‌های اجتماعی- فرهنگی ایجاد خانه‌های دوم و همچنین سنخ شناسی مالکان آنها با تاکید بر ویژگی های اجتماعی- فرهنگی هستیم؛ ضمناً بجز مطالعاتی معدود و پراکنده، تقریباً مطالعات منسجمی در محدوده مرکزی کشور انجام نشده بنابراین از این منظر نیز این مطالعه بی بدیل می‌باشد.

خانه‌های دوم[۱] به عنوان موضوع و پدیده‌ای نوظهور که از حدود نیم قرن از پیدایش دوباره و گسترش آن می‌گذرد نظیر سایر پدیده‌های دوران معاصر، پیچیده و چند وجهی هستند و می توانند اثرات مثبت و منفی مختلف اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی، جغرافیایی بر جامعه روستایی داشته باشند. به همین دلیل از جنبه‌های مختلف می‌توان آنها را بررسی و تبیین نمود. سوای از این موضوع که پدیده خانه‌های دوم را می‌توان از دریچه حوزه‌ها و رشته‌هایی چون جغرافیا، گردشگری، اقتصاد، حقوق و .... بررسی کرد، در حوزه علوم اجتماعی موضوع متفاوت بوده و

[۱] - خانهٔ دوم از دو لغت Home و Second تشکیل شده است (Crawley, 2000). در مجموع می‌توان گفت خانه‌های دوم دارای چند ویژگی هستند و به عبارتی با این ویژگی‌ها قابل تعریف هستند: می‌تواند در داخل یا خارج از محدوده شهری باشند اما اینجا مراد ما آنهایی است که در محدوده روستایی قرار دارند، برای گذران اوقات فراغت از آنها استفاده می‌شود، دارای مناسکی و مناستی و در مجموع اجتماعی - فرهنگی دارد، بین سه تا پنج ماه در طول سال از آنها استفاده می‌شود، معمولا کوچکتر از خانه‌های اول افراد است با امکاناتی محدودتر، گروهی برای انجام کارهایی که در شهرها منع قانونی و عرفی دارد از آن بهره می‌گیرند، اهداف اقتصادی و سرمایه گذاری در آخرین رده اولویت مالکان آنهاست(مولف).

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

می‌توان عمیق‌تر و با دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی آن را مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. در همین خصوص طی بررسی‌های اولیه قالب‌ها و نظریه‌هایی که به نحوی با ظهور و گسترش خانه‌های دوم و پیامدهای آن در حوزه جامعه شناسی خاصه جامعه شناسی روستایی مرتبط بود مورد ارزیابی قرار گرفت. در این میان دو دیدگاه پیوند و تعامل شهر و روستا (با به دو رویکرد مثبت نگر که موجب اشاعه و نشت ویژگی‌ها و امکانات توسعه‌ای از شهر به روستا شده و منفی نگر یا یک سویه که به ضرر روستا و به نفع شهر بوده است) و دوم دیدگاه سبک زندگی[1] (اینکه چه سبک زندگی باعث شده افراد رو به ایجاد و ساخت خانه‌های دوم کنند یا اینکه احتمالا رواج این پدیده بنا بر ایجاد سبک زندگی جدیدی بوده است) می تواند مورد بررسی قرار گیرد که در این مقال به دیدگاههای موجود در حوزه های فوق الذکر پرداخته ایم.

دیدگاههای حوزه پیوند شهر – روستا

در بررسی موضوع مناسبات شهر و روستا به طور کلی، محققان آن را به دو رویکرد مثبت نگر که موجب اشاعه و نشت ویژگی‌ها و امکانات توسعه‌ای از شهر به روستا شده و منفی نگر یا یک سویه که به ضرر روستا و به نفع شهر بوده است طبقه بندی کرده‌اند.

پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص موضوع مورد نظر نیز با توجه به دو نگاه مذکور متکی است. از دهه ۱۹۵۰ سه نظریه اساسی، در روابط شهر و روستا بر اساس برنامه‌ریزی توسعه تحت تأثیر قرار داده است. نظریه قطب رشد که بر سرمایه‌گذاری کلان در صنایع و در بزرگ‌ترین شهرها تأکید می‌ورزد و به آن اولویت می‌دهد. به گونه‌ای که توسعه اجتماعی – اقتصادی شهرها باعث توسعه اجتماعی – اقتصادی روستاها می‌گردد، نظریهٔ استراتژی توسعه از بالا که ریشه در اقتصاد نوکلاسیک دارد و به رشد مراکز انسانی با اجرای طرح‌های بزرگ و استفاده از فناوری پیشرفته می‌اندیشد و نظریهٔ شهرهای زایا که هوزلیتز برای نخستین بار به بیان آن پرداخته است. که طبق آن شهرهای زایا به شهرهایی اطلاق می‌شود که تأثیرات مفید و مثبتی در حوزه نفوذ خود می‌گذارد و برعکس شهرهای انگلی به شهرهایی گفته می‌شود که باعث سیر قهقرایی حوزه‌های روستایی می‌گردد. جریان یک طرفه و بهره‌برداری شهر از روستاهای پیرامون مفهوم شهرهای انگلی و شهر به عنوان اشاعه دهنده و موتور محرکه که توسعهٔ روستایی مفهوم شهرهای زایا یا خلاق را در شناسایی نقش و پیوند روستایی شهری به ذهن متبادر می‌کند(افراخته، ۱۳۸۰: ۵۲– ۵۰). در مقابله با این دیدگاه وبرث در سال‌های ۱۹۷۳و ۱۹۷۵ شهرهای شرق اسلامی را به عنوان مکان‌های مرکزی حوزه پیرامونی‌شان معرفی می‌کند که کارکردهای مثبت و سازنده‌ای دارند و کانون نوآوری و ساماندهی اقتصادی برای حوزه نفوذ پیرامونی به شمار می‌روند. طالب نیز شهرها را کانون‌های مرکزی بر می‌شمارد که نیازهای روستاییان را بر آورده می‌سازد و برای تولیدات آنها بازاریابی می‌کند. مومنی بر این باور است که شهرها از نواحی روستایی دریافت می‌کند(ارتزاق می کنند شامل نیروی کار، سرمایه، مواد غذایی و ...) بی آنکه چیزی پس بدهد. بدین معنی که شهر همانند زالو یا انگل منطقه نفوذ روستایی‌اش را می‌مکد (ابراهیم زاده، ۱۳۷۹: ۱۵۳) وی از مجموع این دیدگاه‌ها و تجربه کشورهای آسیایی و آفریقایی چنین نتیجه می‌گیرد که شهر و روستا سیستم واحد ارگانیگی را تشکیل می‌دهند و توسعه بخشی از این سیستم بدون توجه بخش دیگر غیرمنطقی و غیر ممکن است. در همین راستا ماکس دروئو با اشاره به مناسبات شهر و روستا در مجموع نقش شهرها را در برابر روستاها هدایت کننده بر می‌شمارد زیرا دولت در شهر مستقر است ثروت و غنای شهر بیش از روستاست و نوآوری‌ها همه از شهر نشأت می‌گیرد همچنین بر نقش دولت‌ها در شناخت پتانسیل پیوندهای روستا – شهری در فعالیت‌های توسعه‌ای‌شان و تأثیر مثبت آنها در کاهش فقر این مناطق تأکید می‌شود. علاوه بر این، سیاست‌های ملی اقتصادی و حمایت دولت از برنامه‌ریزان محلی به منظور شناخت نیاز شهر و روستا و فراهم آوردن دسترسی مستقیم روستاییان به مراکز شهری گامی مؤثر و مثبت در پیوندهای روستایی شهری به شمار می‌آید(همان ۱۴۶و ۱۶۰). ابراهیم زاده، در مطالعه ای، رابطه ایرانشهر با نقاط روستایی را به دلیل خدمات رسانی ضعیفش خلاق نمی‌داند و تأکید دارد که به

[1] life style

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

منظور ظهور پدیده رخنه به پایینِ تأثیراتِ توسعه، دخالت مستقیم دولت ضروری است. ابراهیم زاده ضمن تأکید بر سرمایه گذاری‌های دولتی در حیات اقتصادی – اجتماعی شهر و روستا بر این باور است که شهر زابل نه تنها خصلت انگلی نسبت به نواحی روستایی خویش ندارد بلکه با تزریق سرمایه به این مناطق به توسعهٔ روستایی کمک مؤثری می‌کند (ابراهیم زاده ۱۳۷۹، ۳۷۲). اساس تحلیل های این مطالعه بر دیدگاههای سبک زندگیست و دیدگاههای کلان پیوند شهر–روستایی توان تبیین موضوع را ندارد.

دیدگاههای حوزه سبک زندگی

در ادبیات جامعه شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم سازی وجود دارد، یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است (چاپین[1] ۱۹۹۵؛ چاپمن[2] ۱۹۳۵) و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف گرایی معنا می‌یابد (گیدنز ۱۹۹۱؛ بوردیو ۱۹۸۴؛ فدرستون[3] ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱؛ لش و یوری[4] ۱۹۸۷) و در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روز به روز افزایش می‌یابد (اباذری، ۱۳۸۱: ۴۴). بر همین اساس به بررسی دیدگاههای آنان پرداخته ایم.

به نظر وبلن، افراد کالاها را مصرف می‌کنند (در اینجا ساخت خانه‌های دوم) تا جایگاه اجتماعی خود را به نمایش گذاشته و خود را به طبقه خاصی نزدیک کرده و از طبقات فراتر و فروتر متمایز کنند. وی اصطلاح «طبقهٔ مرفه» را در وصف افرادی به کار می‌برد که به لحاظ اقتصادی عملکردی غیرمولد دارند و از این نظر، همچون افراد طبقهٔ کاسب‌کار هستند. اعضای این طبقه برای جلب توجه دیگران، به مصرف متظاهرانه (خرید کالاهایی که برای ادامهٔ حیات ضروری نیستند نظیر همین خانه‌های دوم، دارا بودن چند خودرو و کالاهایی از این دست) و فراغت متظاهرانه (استفادهٔ غیرمولّد از وقت) می‌پردازند. بنا به نظر وبلن، علاوه بر زیان‌هایی که اعضای این طبقه مستقیماً به ثبات اقتصادی جامعه وارد می‌آورند، برای اعضای طبقات اجتماعی نیز الگوی رقابت می‌شوند که نتیجهٔ این امر، جامعه‌ای خواهد بود که به اتلاف زمان و پول می‌پردازند. پرهیز از کار تولیدی و بدنی، آسایش متظاهرانه، گرایش به محافظه‌کاری برای محترم جلوه‌دادن خود و گرایش به مشاغل مالی، گرایش به نشان‌دادن اصل و نسب، دیرینگی و خوی رقابت و یغماگری، از دیگر نشانه‌های مشخص منزلتی و اعتباری طبقهٔ بالا و مرفه جامعه است. بنابراین، از نظر وبلن: ۱) مصرف نمایشی، دیگر یک امتیاز نیست که محدود به طبقهٔ مرفه دارای منزلت بالا باشد، بلکه در هر قشری از جامعه وجود دارد. ۲) مصرف نمایشی بازتاب خواسته‌های منزلتی افراد برای تفوق‌جستن از افراد دارای منزلت برابر و چشم وهم‌چشمی با افراد دارای منزلت بالاست. ۳) مصرف نمایشی اغلب به عنوان ابزاری برای نمایش یا اثبات منزلت بالا استفاده می‌شود.

عمده‌ترین میراث اندیشه بوردیو برای جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل سبک‌های زندگی، تحلیل ترکیب انواع سرمایه برای تبیین الگوهای مصرف و مبنای طبقاتی قرایح و مصرف فرهنگی است. از سوی دیگر، تأکید بوردیو بر الگومند بودن اعمال مصرف که نتیجهٔ الزامات منش است، الهام‌بخش تکنیک‌های پژوهش دربارهٔ الگوهای سبک زندگی نیز بوده است. در نظریهٔ بوردیو، سبک زندگی که شامل اعمال طبقه‌بندی‌شده و طبقه‌بندی‌کنندهٔ فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه‌روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن‌گفتن و راه رفتن است، در واقع عینیت‌یافته و تجسم‌یافتهٔ ترجیحات افراد است. از یک سو، سبک‌های زندگی شیوه‌های مصرف عاملان اجتماعی‌ای است که دارای رتبه‌بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی‌اند. این شیوه‌های مصرفی بازتاب نظام اجتماعی

[1] Chapin
[2] Chapman
[3] Feathrston
[4] Lash & Urry

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

سلسله مراتبی است؛ اما چنانچه بوردیو در کتاب تمایز برحسب منطق دیالکتیکی نشان می‌دهد، مصرف صرفاً راهی برای نشان‌دادن تمایزات نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز است.

ژان بودریار معتقد است دیگر احاطه بشر به وسیله بشر پایان گرفته و اینک شاهد محاصره بشر به وسیله اشیا هستیم. دیگر مبادله روزانه بین افراد نیست بلکه با تجارت، کالاها و پیام‌ها صورت می‌گیرد. مصرف کننده در چنین شرایطی بسیار خلاقانه رفتار می‌کند، چون این افراد برخلاف دیگر گروه‌های سنی و جنسی منفعلانه یا غیرنقادانه با چنین جامعه‌ای برخورد نمی‌کنند. افراد در بازار معنی، کالاهای خریداری شده را تغییر می‌دهند و سبک‌های زندگی جدیدی در بازار توده‌ای[1] ایجاد می‌کنند. این امر به شکل یک نوع کار خلاقانه در می‌آید که مقوله‌های جدیدی را در بازار مصرف ایجاد می‌کند. آنها زیباشناختی خاص خود را به بازار مصرف تحمیل می‌کنند که از طریق رنگ‌ها، مارک‌ها و اجناس خاص خود، صورت می‌گیرد. این امر را می‌توان در اوقات فراغت (مصرف زمان)، مصارف فرهنگی، خرید لباس، مصرف غذا و در اینجا ایجاد یا خرید خانه‌های دوم مشاهده کرد.

به اعتقاد زیمل شیوهٔ خاص مصرف‌کردن راهی برای بیان خود در رابطه با دیگران و انبوه جمعیت حاضر در کلان‌شهر است. به اعتقاد زیمل، فرد فقط از طریق بسط شدید فردگرایی که هدف آن دنبال‌کردن نمادهای مُد و منزلت است، می‌تواند فشارهای زندگی مدرن را تحمل کند. این‌گونه مصرف‌کردن راهی برای اثبات خود و حفظ اقتدار فردی است. متمایز ساختن خود از دیگران – به واسطه مد – را محرک مصرف می‌داند وی کارکرد دو گانه‌ای برای مد قایل است در یک وجه، اعلام تمایل فرد برای متمایز شدن از دیگران و بیان هویت فردی و خواست فردیت است، اما وجه دیگر آن که جنبهٔ طبقاتی دارد، سبب همبستگی گروهی و تقویت انسجام اجتماعی طبقاتی است. از نظر وی، مصرف نمایشی (نظیر دارا بودم خانه دوم) یک بازی رایزنی منزلتی است که افراد دارای منزلت اقتصادی - اجتماعی برابر بازی می‌کنند. در معنای زیمل، بازی، شکلی از فعالیت انسان است که ریشه در نیازهای انسانی دارد، اما فرد، در طول زندگی و در حین فعالیت‌هایش تکامل می‌یابد.

نزد گیدنز تحول سبک‌های زندگی و دگرگونی‌های ساختاری مدرنیته به واسطه بازتابندگی منادی به یکدیگر گره می‌خورند به دلیل باز بودن زندگی اجتماعی امروز، کثرت یافتن زمینه‌های کنش و تعداد مراجع مقتدرتر، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت شخصی و در پیش گرفتن فعالیت‌های روزانه به طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد. گیدنز (۱۳۸۳) انسان را به عنوان عامل در شکل گیری هویتش مؤثر می‌داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی سبک زندگی را بیشتر تقلید می‌کند. به نظر او در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از سبک‌های زندگی پیروی می‌کنیم به تعبیر دیگر ناچار به این پیروی هستیم. در حقیقت ما انتخاب دیگری به جز گزینش نداریم. به نظر وی هرچه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد بیشتر به دنیای مابعد سنتی تعلق داشته باشد، سبک زندگی او نیز بیشتر با هسته واقعی هویت شخصی‌اش و ساخت و همچنین با تجدید ساخت آن سروکار خواهد داشت. البته منظور گیدنز از کثرت انتخاب این است که در همه انتخاب‌ها بر روی همه افراد باز است.

بر همین اساس مهمترین سوالات این مطالعه به شرح ذیل است:

- مهمترین عوامل اجتماعی و فرهنگی این پدیده در منطقه چیست؟
- عوامل زمینه‌ای (از جمله پایگاه اقتصادی- اجتماعی، سن، جنس، تحصیلات، بازنشسته بودن یا نبودن، وضعیت شغلی، میزان ارتباط با روستا یا نسبت با روستاییان) در منطقه چیست؟
- انگیزه‌ها و علل تشکیل خانه‌های دوم چیست؟
- ویژگیهای شاخص مهاجران و صاحبان خانه های دوم از جمله انگیزه، قومیت، سن، وضعیت اقتصادی، وضعیت اشتغال، وضعیت سلامت، شهر محل سکونت و... چیست؟

[1] Mass market

[Downloaded from jyfc.ir on 2026-11-18]

یافته های تحقیق

مهمترین نتایج تحقیق حاکی از آن است که موج مهاجرت معکوس با ایجاد خانه های دوم در تمامی روستاهای منطقه گسترش دارد اما بیشتر در روستاهای مرکزی دهستان بوده. سبک ساخت و معماری حدود ۳۰ درصد این خانه ها سنتی و برگرفته از فرهنگ منطقه اما با مصالح مدرن و شهری است و مابقی کاملا سبک مدرن و شهری است. افرادی که ساکن کرمان و جیرفت هستنداغلب تعطیلات آخر هفته و سایر مناسبتها را در این مناطق می گذرانند در حالی که ساکنین کرمان و بندرعباستنها در مناسبتها چون اعیاد، مناسبتهای مذهبی و یا عروسی و عزا مراجعه می کنند، تقریبا تمامی (۹۵ درصد)مهاجرتها طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته خاصه از سال ۹۰ تاکنون ایجاد شده اند.

تمامی افراد مرد بودند، پایگاه اقتصادی–اجتماعی اغلب آنها متوسط و درصد کمی بالا بوده، از لحاظ سنی حدود دو سوم بیش از ۵۰ سال سن دارند، از لحاظ تحصیلی بیش از ۷۰ درصد از آنها تحصیلات دیپلم و کمتر داشتند. قزیب به نیمی از آنان بازنشسته بودند، بیش از ۹۰ درصد متاهل بودند، تمامی آنها اهل همانجا یا به نحوی با ساکنین روستا نسبت فامیلی داشتند بطوریکه بیش از ۸۰ درصد آنها متولد همان روستا بودند ضمنا ۷۲ درصد آنها والدین فوت شده شان را در همان روستا به خاک سپرده بودند. البته اخیرا به دلیل بالا رفتن قیمت اراضی و آب هوای مطبوع، از شهرهای بندرعباس و اطراف آن نیز که هیچ پیوندی با منطقه ندارند، مراجعه می کنند. در برخی روستاها ورود این دسته از مهاجرین باعث بروز تشنج و اختلاف میان ساکنین شده و دربرخی دیگر اثرات اجتماعی–فرهنگی مثبتی چون ایجاد اتحاد و همدلی و جلب مشارکت آنان در اقدامات و اتفاقات روستا داشته است.

در ادامه، یکی از مهمترین اهداف این مطالعه سنخ بندی و سنخ شناسی صاحبان خانه‌های دوم روستایی است که با توجه به نبود مطالعات اجتماعی و جامعه شناختی در این حوزه، کار بدیع و در عین حال دشواری است، به گونه‌ای که پیشتر نیز مطرح شد، مطالعات صورت گرفته درخصوص خانه‌های دوم روستایی بیشتر به ظاهر و لایهٔ اول این پدیده پرداخته و به جز بررسی ویژگی‌ها و مشخصه‌های فردی صاحبان این خانه‌ها (از جمله، سن، جنس، تحصیلات، شغل و...) به مؤلفه‌های دیگر اجتماعی پرداخته نشده بود. ضمن آنکه مطالعات حوزه سبک زندگی نیز (علی رغم تعداد زیاد آنها در کشور) به غیر از سنخ‌بندی طبقاتی، سنخ بندی خاصی ارائه نکرده بودند. با تمامی این تفاسیر با تلاش فراوان و با حضور چندین ساله در منطقه و طیف وسیعی از مصاحبه‌های مختلف (از اساتید و متخصصان علمی تا کارشناسان و مدیران اجرایی و روستائیان) به دسته بندی جدیدی در این خصوص دست یافتیم. بر این اساس صاحبان خانه‌های دوم روستایی را می توان بر اساس سبک‌های زندگی، نوع و اولویت انگیزه‌ها، شرایط و عوامل زمینه‌ای به سه دسته فراغت‌جویان، هویت‌جویان و منزلت‌جویان با ویژگی‌های خاص خود تقسیم نمود که به اختصار آن را **فَهم** نامیدیم.

گروه فراغت جویان یا لذت جویان

این افراد در گروه سنی ۳۵ تا ۴۵ سال قرار گرفته، همگی مرد و تعداد کمی دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، از لحاظ شغلی شاغل (در کارخانه‌ها و کشت و صنعتهای جیرفت)، همگی متولد شهر و اکثرا والدینشان در قید حیات بوده ، تقریباً تمامی آنها ساکن جیرفت و تعدادی کرمان و دارای پایگاه اقتصادی–اجتماعی متوسط هستند، این گروه آخرین گروه اقدام کننده طی چند سال گذشته هستند، دارای خانه‌های کوچک و متوسط بدون مشخصه های زیبایی شناختی یا سنتی و مدرن بوده و معمولاً خارج از محدوده خانه پدری قرار دارد و تعداد کمی برای ساخت از وام استفاده کردند، اغلب دوستان، فامیل و حتی برادران و خواهرانشان دارای خانه دوم روستایی بوده، معمولاً در طول هفته و آخر همه هفته‌ها به صورت مجردی یا با دوستان برای خوشگذرانی و انجام کارهایی که در شهر محدود یا عرف و قانون اجازه آنرا نمی‌دهد، مراجعه می‌کنند، این افراد بیشتر تلاش و هزینه خود را برای خوشگذرانی و کسب لذت در این خانه‌ها می‌کنند. از لحاظ

[Downloaded from jyfc.ir on 2026-11-18]

ذائقه خیلی قائل به مارک، کلاس و طبقه نبوده و از هر نوع کالایی اعم از مادی یا فرهنگی کـه برایشـان دارای کـارکرد باشد، استفاده کرده، به عبارت دیگر دارای ذائقه همه چیز پسند بوده و خیلی کم به بازسازی امور عمـومی روسـتا کمـک می‌کنند. از لحاظ سرمایه مذهبی در سطح متوسط و پائین بودند و اغلب مصرفشان را بر مبنای مد دارنـد(یکی از نشـانه-های آن پوشش و نحوه رفتار و گفتار آنها در روستا است).

گروه هویت جویان

این افراد در گروه سنی ۵۵ سال به بالا قرار گرفته، همگی مرد بوده، دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم هسـتند، از لحاظ شغلی تقریباً تمامی آنها بازنشسته، همه متولد روستا و اغلب والدینشان در همان روستا دفن شدند، اغلب آنها ساکن کرمان و تعدادی جیرفت و بندر عباس بوده و دارای پایگـاه اقتصـادی - اجتمـاعی بـالا هسـتند(اغلب در جیرفـت دارای گلخانه تولید صیفی جات و یا مغازه در کرمان هستند)، این گروه از جمله اولین‌ها و پیشگامان ساخت خانه دوم روسـتایی در منطقه به شمار می‌آیند، دارای خانه‌های بزرگ به نسبت سایرین بوده و قریب بـه نیمـی از آنهـا بـرای سـاخت از وام استفاده کردند (به عبارت دیگر خانه‌ها اصولی ساخته شده و دارای زیرسازی اساسـی اسـت)، اغلـب دوسـتان نزدیکشـان دارای خانه دوم روستایی بوده، معمولاً در مناسبت‌ها و برخی تعطیلات و تابستان‌ها (بـه خصـوص کـه در تابسـتان دارای هوای بسیار مطبوعی است به طوری که علیرغم قرار گرفتن در دامنه و دشت، در هیچ کدام از روستاهای منطقه از کـولر جهت تهویه استفاده نمی‌شود) معمولاً مجردی یا تنها با همسر خود مراجعه می‌کننـد، ایـن افـراد بـرای ارضـاء نیازهـای غیرمادی و دستیابی به رفاه ذهنی و درونی و به دنبال هویت گم شده در روستاهای آباء و اجدادی و حس نوستالژیکی که نسبت به روستا داشتند، اقدام به ساخت خانه دوم روستایی کردند و از لحاظ ذائقه قائل به کلاس و طبقـه نبـوده و از هـر نوع کالایی اعم از مادی یا فرهنگی که برایشان کارکرد و کارایی داشته باشد استفاده می‌کنند اما از طرف دیگر نمی‌تـوان گفت دارای ذائقه همه چیز پسند هستند، معمولاً به فقرا و بازسازی امور عمومی روستا کمک می‌کننـد. از لحـاظ سـرمایه مذهبی در سطح بالایی بودند و کمترین میزان مصرف را بر مبنای مد دارند (یکی از نشانه‌های آن پوشش معمولی آنها در روستا است)، اغلب این گروه اذعان داشتند چنانچه روستا دارای امکانات حداقلی هم بود اقدام به ساخت می‌کردند.

گروه منزلت جویان یا تمایز جویان

این افراد در گروه سنی ۴۵ تا ۵۵ سال قرار گرفته، همگی مرد بودند، اغلب دارای تحصیلات دانشـگاهی هسـتند، از لحاظ شغلی تعداد کمی بازنشسته و مابقی شاغل (بیشتر مغازه‌دار و یا گلخانه دار)، اکثراً متولد شهر و اغلب والدینشـان یـا در قید حیات یا تعدادی در همان روستا دفن شدند، اغلب آنها سـاکن جیرفـت و بنـدرعباس و دارای پایگـاه اقتصـادی - اجتماعی متوسط هستند، این گروه طی کمتر از یک دهه پیش اقدام به ساخت کردند، دارای خانه‌های کوچک و متوسـط اما زیبا و مدرن بوده و معمولاً درون محدوده خانه پدری قرار ندارد و حدوداً نیمی از آنها برای ساخت از وام استفاده کردند (به عبارت دیگر خانه‌ها اصولی ساخته شده و دارای زیر سازی اساسی است)، اغلب دوستان و فامیلشـان دارای خانـه دوم روستایی بوده، معمولاً در آخر هفته‌ها، تعطیلات و تابستان‌ها مراجعه می‌کنند، این افراد بیشتر تلاش و هزینـه خـود را در رفتار، کردار، گفتار، نوع پوشش، نوع وسایل مورد استفاده و نحوه گذران اوقات فراغت صرف می‌کننـد تـا نشـان دهنـد از دیگران متفاوت و متمایز بوده و به دلیل آنکه اغلب در خانواده‌ها بزرگ و پر بچه بوده و اغلـب از لحـاظ مـالی در سـطح متوسط و پایینی بودند اکنون با اقدام به ساخت خانه دوم می‌خواهند جایگاه اجتماعی خود را به نمایش گذاشته و خود را از سایرین متمایز سازند. از لحاظ ذائقه قائل به مارک، کلاس و طبقه بوده و از هر نوع کـالایی اعـم از مـادی یـا فرهنگـی استفاده نکرده و بیشتر دارای مصرف نمایشی به خصوص در روستا با کمک کردن به فقرا و بازسازی امور عمومی روسـتا هستند. از لحاظ سرمایه مذهبی در سطح متوسط و بالا بودند و بیشترین میزان مصرف را بـر مبنـای مـد دارنـد (یکـی از

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

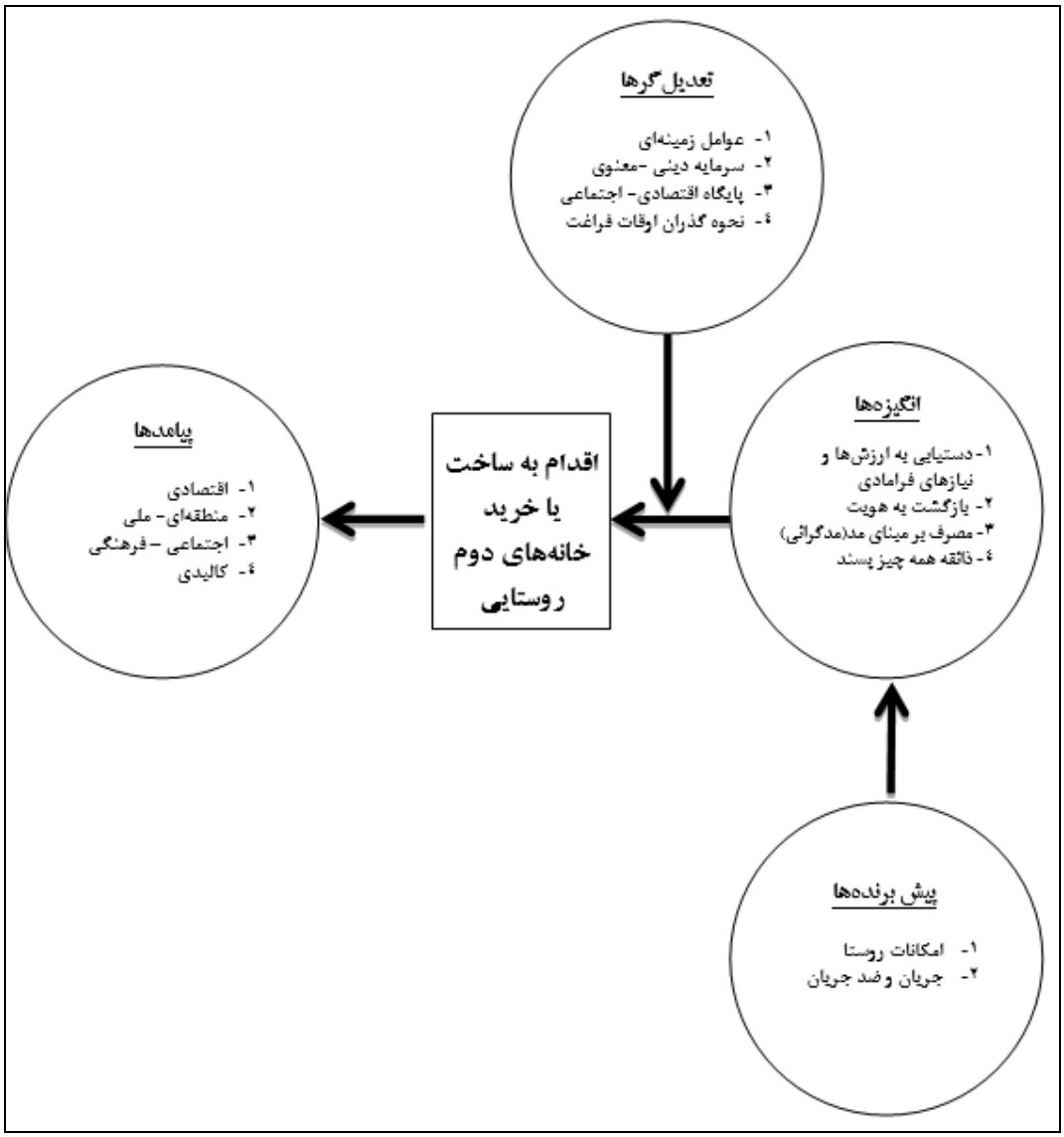
نشانه‌های آن پوشش و نحوه رفتار و گفتار آنها در روستا است)، اغلب این گروه اذعان داشتند چون روستا دارای امکانات رفاهی لازم بوده اقدام به ساخت کردند.

مدل تجربی تحقیق

با عنایت به اکتشافی و توصیفی بودن این مطالعه به دنبال بررسی و شناخت روابط علی بین متغیرها و نهایتاً تعمیم داده‌ها نبودیم، بر همین اساس در نتیجه این مطالعه به مدلی کیفی و شبه کمی دست یافتیم – خارج از معنای متعارف مدل نظری و تجربی– در این مطالعه با توجه به شرایط و روش تحقیق، قابل آزمون و کمی پذیر نبوده بلکه با رویکرد توصیفی–تفسیری و استدلالهای مبتنی بر شواهد تحلیل شده است. بر همین اساس در این مدل که برگرفته از نتایج و یافته های تحقیق است، با چهار بخش که به نوعی با اقدام به مهاجرت معکوس و ساخت یا خرید خانه‌های دوم روستایی مرتبط است، روبروییم. مهمترین بخش این مدل انگیزه‌ها بوده که پیش برنده‌ها شامل امکانات روستا و جریان و ضدجریان بستر و زمینه‌ساز انگیزه‌ها هستند بعبارت دیگر این پیش برنده ها هستند که باعث می شود انگیزه ها قوت یافته و در تصمیم افراد به مهاجرت و دارا بودن خانه های دوم نقش زیرساختی دارد. شاید اگر امکانات اولیه و عوامل جاذب در این روستاها موجود نبود، افراد حتی به این موضوع فکر هم نمی کردند، علی رغم احساس نیاز به هویت یابی و گذران اوقات فراغت. انگیزه‌ها نقش مهمی را در اقدام به ساخت یا خرید خانه‌های دوم روستایی دارند اما تعدیل‌گرها شامل عوامل زمینه‌ای، پایگاه اقتصادی – اجتماعی، سرمایه دینی یا معنوی و نحوه گذران اوقات فراغت بر نوع و کیفیت انگیزه‌ها اثرگذار بوده و نهایتاً اقدام به مهاجرت و ساخت یا خرید خانه‌های دوم روستایی کرده اند.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

شکل ۱.مدل تجربی مطالعه



نتیجه گیری و ارائه راهکارها

مهاجرت معکوس و رشد و گسترش خانه‌های دوم از پدیده‌های مهم دوره معاصر است. امروزه در اکثر کشورهای جهان به ویژه در کشور ایران و منطقه مورد مطالعه ما این پدیده از رونق زیادی برخوردار است. برخی متخصصان خانه‌های دوم را با مفهوم "خرده شهرگرایی فصلی"[1] پیوند می‌زنند.

در گذشته نیز این نوع مهاجرت معکوس فصلی و مالکیت، بهره گیری و تدارک خانه‌های دوم به بخش کوچک و مرفه جامعه محدود می‌شد اما امروزه درخواست آن توسط اغلب آهاد جامعه از طبقه متوسط به بالا صورت می گیرد که شاهد این ادعا گسترش روز افزون آن در تمامی نقاط کشور از جمله دهستان دلفارد است.

بطور خلاصه باید گفت این پدیده نوظهور از اواسط دهه ۸۰ شمسی در ایران بطور گسترده ای بخصوص در مناطق مرکزی کشور رواج یافته، گر چه این پدیده در مناطق ساحلی و کوهستانی از سالیان قدیم رواج داشته است. اما واقعیت

[1] Seasonal Suburbanization

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

آن است که این نوع مهاجرت و خانه های دوم در کشور را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد[۱]؛ گروه اول مهاجرت معکوس فصلی در مناطق ساحلی و کوهستانی کشور از جمله مناطق ساحلی استانهای مازندران و گیلان، جزایر کیش و قشم و مناطق کوهستانی شهرهای تهران، اصفهان، مشهد و .. رواج دارند. انگیزه ایجاد این این نوع مهاجرت و ایجاد خانه ها بیشتر اقتصادی و بیشترین کارکرد آن برای گذران اوقات فراغت است. در خصوص این نوع مهاجرت و خانه ها تحقیقات و مطالعات زیادی در حوزه های جغرافیا، محیط زیست، اقتصادی، گردشگری و جهانگردی صورت گرفته اما گروه دوم مهاجرت های معکوسی که در مناطق مرکزی کشور از جمله یزد، کرمان، اراک و ... رواج دارند. انگیزه ایجاد این خانه ها بیشتر فرهنگی و هویتی بوده و انگیزه اقتصادی آخرین اولویت را داشته و بیشترین کارکرد آن مناسبتی و نیز برای گذران اوقات فراغت است. در خصوص این مهاجرتها و خانه ها تقریبا هیچ تحقیقات و مطالعه ای(بجز چند مطالعه پراکنده) انجام نشده و نکته مهمتر اینکه در خصوص هیچکدام از این دو گروه، مطالعه ای در حوزه اجتماعی–فرهنگی و بطور خاص جامعه شناسی صورت نگرفته است.

مهمترین وجه تمایز و تفاوت اساسی این مطالعه با سایر مطالعات این حوزه آن است که جامعه مورد بررسی، مهاجرتها و خانه های گروه دوم(مهاجرت هایی که در مناطق مرکزی کشور رواج دارند) و با رویکردی جامعه شناختی بوده و از روش اکتشافی و توصیفی و در سطح تفسیری بهره برده ایم ضمنا از روش ترکیبی "کمی و کیفی" نیز جهت جمع آوری اطلاعات استفاده شده است.

در همین راستا پیشنهاد می شود:

۱- ایجاد یک بانک اطلاعاتی کامل خانه های دوم روستایی که در قالب مهاجرت معکوس شکل گرفته، توسط بنیاد مسکن یا بخشداریها نظیر اطلاعات به روز خانه های بهداشت جهت هر گونه بررسی و تحلیل محققین.

۲- مطالعات بیشتری با رویکرد جغرافیایی، جمعیت شناسی و جامعه شناسی در خصوص دلایل و انگیزه های این نوع مهاجرت معکوس و ایجاد این خانه های در سرتاسر کشور انجام شود.

۳- بررسی و مطالعه اجتماعی پیامدهای ایجاد و گسترش این نوع مهاجرت معکوس در مناطق مختلف کشور انجام شود. چرا که ایجاد تنش و اختلاف میان ساکنین و تازه واردها از یک طرف و تداخل فرهنگی و اجتماعی و گسترش موج و فرهنگ شهرنشینی در مناطق روستایی از طرف دیگر محتمل بوده و بررسی آن و بررسی راهکارهای کاهش اثرات منفی آن بسیار اهمیت دارد.

۴- مطالعه جامع و همه جانبه مهاجرت معکوس و خانه های دوم در سایر رشته های علمی از جمله حقوق، اکولوژی، روانشناسی، اقتصاد توسعه(اقتصاد سیاسی)، تاریخی، گردشگری و جهانگردی و توجه به مسایل اجتماعی و فرهنگی در کنار سایر مولفه ها و متغیرها.

[۱] –این تقسیم بندی برای اولین بار توسط نویسنده ارائه شده است.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

منابع

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶) *الگوهای سبک زندگی در ایران*. تهران نشر

اباذری، یوسف و چاوشیان، حسن (۱۳۸۱) از "طبقه" تا "سبک زندگی"، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰.

ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۷۹)، تحلیلی منطقه‌ای از روابط متقابل شهری و روستایی در سیستان، *پایان نامه دکترای جغرافیا*، دانشگاه اصفهان.

الیاسی، مجید و دیگران (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر مصرف کالاهای فرهنگی در بین جوانان. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال دوم، شمارهٔ دوم، پاییز و زمستان، ۷۶-۵۵.

باکاک، رابرت (۱۳۸۱). *مصرف*. ترجمه خسرو صبری، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

بودریار، ژان (۱۳۸۹). *جامعه مصرفی*. ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر ثالث.

بوردیو، پیر (۱۳۹۰). *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*. ترجمه حسن چاووشیان، تهران: نشر ثالث.

بنیاد مسکن انقلاب شهرستان جیرفت، ۱۳۹۰

بهار، مهری (۱۳۹۰). *مصرف و فرهنگ*. تهران: انتشارات سمت.

بیرو، الن (۱۳۸۰) *فرهنگ علوم اجتماعی*، باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، چاپ چهارم.

حاجی نژاد، علی و ابوذر پایدار و حبیب اله بیاد(۱۳۹۵). تحلیل روند تغییرات و تحوالت روستاهای دهستان دلفارد با تأکید بر نقش شهر جیرفت. *فصلنامه پژوهشهای روستایی*، دوره ۷ شماره ۲.

رضوانی، محمدرضا،(1382) تحلیل روند ایجاد و گسترش خانه های دوم در نواحی روستایی، مطالعه موردی :نواحی روستایی شمال استان تهران، تهران، *فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی*، شماره ۴۵، صص۵۹-۷۳

سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران

شاریه، ژان برنار(۱۳۷۳)؛ *شهرها و روستا*؛ ترجمه ی سیروس سهامی؛ نشر نیکا؛ مشهد.

علیقلیزاده فیروزجایی، ناصر، (۱۳۸۶)، اثرات گردشگری بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی نواحی روستایی، مطالعه موردی:نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان نوشهر، *پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامهریزی روستایی*، استاد راهنما دکتر سیدعلی بدری، دانشگاه تهران، گروه جغرافیای انسانی.

عنابستانی، زهرا و آزیتا رجبی (۱۳۹۳)، بررسی اثرات حضور گردشگران مذهبی بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی از دیدگاه روستاییان، (مطالعه موردی: روستای نوده انقلاب – شهرستان خوشاب)، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، شماره ۷، پاییز، صص ۱۳۲ـ۱۲۰.

عنابستانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، بررسی آثار کالبدی خانه‌های دوم بر توسعه سکونتگاه‌های روستایی: مطالعه موردی روستاهای ییلاقی شهر مشهد، *فصلنامه روستا و توسعه*، سال ۱۲، شماره ۴، زمستان، صص ۱۴۹-۱۶۶.

عنابستانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، بررسی آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: محدوده تأثیرگذار بر آب شرب شهر سبزوار)، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۳، پاییز و زمستان، صص ۲۸۲ـ۲۶۱.

عنابستانی، علی اکبر (۱۳۸۹)، فرایند شکل گیری خانه‌های دوم روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: روستاهای ییلاقی غرب مشهد)، *مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۷۴، زمستان، صص ۱۱۸ـ۱۰۳.

فاضلی، محمد (۱۳۸۲) *مصرف و سبک زندگی*، نشر صبح صادق.

مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷). *دین و سبک زندگی*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

وبلن، تورشتاین (۱۳۸۶). *نظریهٔ طبقهٔ تن‌آسا*. ترجمه فرهنگ ارشاد، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

Albaugh, Ryan (2010). Analyzing the "Religious Capital" Approach to Religious Participation. http://nazarene. org/files/docs/albaugh_ryan_paper. pdf.

Bielckus, C. L. , Rogers, A. W. , & Wibberley, G. P. (2008). Second homes in England and Wales. London: Invicta Press.

Bohlin, M. (1982). Spatial Economics of Second Homes: a Review of a Canadian and a Swedish Case Study. Uppsala dissertations from the faculty of Social Sciences 27. Uppsala: Uppsala University.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]

Chaudhuri, Himadri Roy and Majumdar, Sitanath (2006). Of Diamonds and Desires: Understanding Conspicuous: Consumption from a Contemporary Marketing Perspective. Academy of Marketing Science Review, Volume 2006, no. 11.
Clout, H. D. (1969). Second Home in France. Journal of Town planning.
Dijst, M. , Lanzendorf, M. , Barendregt, A. , & Smit, L. (2005), Second Homes in Germany and the Netherlands: Ownership and Travel Impact Explained. Tijdschriftvoor Economists en Social Geography 96 (2), 139-152.
Gallent, N. , Mace, A. , & Tewdwr, M. (2005), Second home: European Perspectives and UK Policies. England: Ashgate Publish Limited.
Hubacek, Klaus & Others (2007) changing lifestyles and developing, Futures 39.
Institute. 55. October 1969. Quoted from: Da Vane, R. 1975. Second home Ownership: a case study. UK: University of Wales Press.
Marjavaara, R. (2007), Route to destruction? Second home tourism in Small Island Communities. Island Studies Journal 2 (1), 27-46.
Müller, D. K. (2004), Mobility, Tourism and Second Homes. In Lew, A. A. ,Hall, C. M. and Williams, A. M. (Eds.) A Companion to Tourism, pp. 387-398. Oxford: Blackwell.
Flognfeldt, T. (2002) Second home ownership. A sustainable semi-migration, in C. M.Hall and A. M. Williams (eds), Tourism and Migration. New Relationships between
Jaakson, R. (1986) Second home domestic tourism, Annals of Tourism Research 13: 367-391.
Müller, D. (2001) Second home tourism and sustainable development in North European peripheries. Paper presented at the TTRA European Chapter Annual Conference, Kiruna, Sweden, April 2001
Robertson, R. W. (1977) Second-home decisions: the Australian context, in J. T. Coppock (ed) Second Homes. Curse or Blessing? Pergamon Press, Oxford, pp. 119-138.

[Downloaded from jvfc.ir on 2026-11-18]